

دفتر یادداشت!



سلام!

امروز قرار است برای خرید به فروشگاه برویم. من یک کار مهم دارم. توی یک کاغذ می نویسم چه چیزهایی را باید بخریم. ماما می گوید و من می نویسم: «نمک، زردچوبه، ماکارونی، میوه و نان.» این کار من است. این طوری چیزی یادمان نمی رود. می خواهی بدانی من دیگر چه چیزهایی را می نویسم؟ تو هم بگو!

من: برنامه‌ی هر روزم را می نویسم یا نقاشی‌اش را می کشم.
تو:



من: اسم بازی‌هایی را که دوست دارم می نویسم.
تو:





من: خاطره‌ی روزی را می‌نویسم که دندانم افتاد.

تو:



من: اسم دوست‌هایم را می‌نویسم تا یادم نرود.

تو:



من: برای بزرگ‌ترها نامه می‌نویسم.

تو:

اووووه! چه چیزهای مهمی برای نوشتن هستند!

من دیده‌ام که بعضی بزرگ‌ترها دفتر یادداشت دارند. بعضی‌ها هم دفتری دارند که اسمش دفتر خاطرات است.

من یک دفتر می‌خواهم که با دفتر مشقم فرق داشته باشد؛ یعنی کوچولو باشد. کوچولوی کوچولو! بعد همه‌ی چیزهایی را که برایت گفتم، آنجا می‌نویسم تا یادم بماند.

تو هم دوست داری برای خودت دفتر یادداشت داشته باشی؟

دفتر یادداشت تو چه شکلی است؟